

آلمانی از نگاهی دیگر

نگاهی آموزشی به دستور زبان آلمانی

دکتر حسین سرکارحسن خان (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)

www.ketab.ir



سرشناسه : سرکار حسن خان / حسین
عنوان و نام پدیدآور : آلمانی از نگاهی دیگر (نگاهی آموزشی به دستور زبان آلمانی) / تالیف: دکتر حسین سرکار حسن خان
مشخصات نشر : تهران: انتشارات آینده دانش ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.: وزیری
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۱-۲۸-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : زبان
رده بندی کتبه : ۲/ن ۸۵۷ ف ۱۳۹۴ QC۹
رده بندی دیویی : ۵۳۰/۰۷۶
شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۵۲۶۱۱

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل های pdf لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ، سایت، مجله و کتاب، جزوه، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می شود.

عنوان: آلمانی از نگاهی دیگر (نگاهی آموزشی به دستور زبان آلمانی)
تالیف : دکتر حسین سرکار حسن خان
نام ناشر : انتشارات آینده دانش
نوبت چاپ : اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ و صحافی : شریف

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مولفان است
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است
بها: ۲۳۰۰۰۰ ریال

مرکز توزیع و بخش کتاب دانشگاهی تهران (انتشارات آینده دانش)
خیابان انقلاب، خیابان نظری، خیابان فخررازی، کوچه قدیری، پلاک ۲۲، واحد ۱

۰۲۱-۶۶۴۹۷۱۳۷ ۰۲۱-۶۶۹۵۴۱۷۴

فروشگاه اینترنتی

www.asanketab.com

I	پیشگفتار
IX	مقدمه ای بر تاریخچه دستور زبان آلمانی:
۲۷	بخش ۱: ابزارهای زبانی
۲۷	۱-۱- جمله:
۲۸	۱-۱-۱ انواع جمله از نظر شکل ظاهری:
۲۹	۱-۱-۲ انواع جمله از دیدگاه کاربرد و معنا:
۳۳	۱-۲- جمله:
۳۴	۱-۲-۱ ضمیرهای مختص در حالت فاعلی
۳۶	۱-۲-۲ صرف فعل
۴۳	بخش ۲: اسم
۴۳	۲-۱ جنسیت دستوری
۴۳	۲-۲ شانه‌های نکره و معرفه
۴۷	بخش ۳: فعل
۴۷	۳-۱ فعل و ظرفیت آن
۵۲	۳-۲ فعل‌های دویخی (فعل‌های پیشونددار)
۵۲	۳-۲-۱ فعل‌های دارای پیشوند جداشدنی
۵۳	۳-۲-۲ فعل‌های دارای پیشوند جدانشده
۵۷	بخش ۴: اسم (ادامه)
۵۷	۴-۱ حالت جمع

۶۰		۴-۲) حرف تعریف در جمع
۶۰		۴-۲-۱) نشانه نکره در جمع
۶۱		۴-۲-۲) نشانه‌های معرفه در حالت جمع
۶۵		بخش ۵: فعل‌های وجهی
۶۶		۵-۱) صرف فعل‌های وجهی
۶۷		۵-۲) جاذبه فعل وجهی
۶۷		۵-۳) سازه روشن‌های معنایی
۷۳		بخش ۶: بیان زمان گذشته
۷۵		بخش ۷: فعل و ظرفیت آن (ادامه)
۷۶		۷-۱) وابسته فاعلی یا نهادی
۷۶		۷-۲) وابسته مفعولی بی واسطه
۷۸		۷-۳) وابسته کیفی
۷۸		۷-۴) وابسته بیان مسیر
۷۹		۷-۵) وابسته اسنادی
۸۰		۷-۶) وابسته بیان موقعیت
۸۰		۷-۶-۱) وابسته بیان موقعیت مکانی
۸۲		۷-۶-۲) وابسته بیان موقعیت زمانی
۸۵		بخش ۸: نفی
۸۹		بخش ۹: بیان زمان گذشته (ادامه)
۹۰		۹-۱) روش ساختن صفت مفعولی

۹۰		۹-۱-۱) افعال بی قاعده
۹۰		۹-۱-۲) افعال بی قاعده
۹۳		۹-۲) ساختار زمان گذشته نقلی (همنشینی در جمله)
۹۷		۹-۳) کاربرد Perfekt
۹۷		۹-۳-۱) گذشته ساده (رفتم) = «Perfekt»
۹۷		۹-۳-۱) گذشته نقلی (رفته ام) = «Perfekt»
۱۰۰		۹-۴) گذشته نقلی برای فعل های وجهی
۱۰۳		بخش ۱۰: اسم (ادامه)
۱۰۴		۱۰-۱) حالت «Dativ»
۱۰۵		۱۰-۲) موقعیت مکانی:
۱۰۶		۱۰-۲-۱) حروف اضافه اسم همراه با حالت دستوری «Dativ»
۱۰۸		۱۰-۲-۲) حروف اضافه مکان همراه با حالت دستوری «Akkusativ»
۱۰۸		۱۰-۳) شکل های دیگر برای بیان وضعیت مکانی:
۱۱۰		۱۰-۴) حروف اضافه و ظرفیت های آن ها:
۱۱۱		۱۰-۴-۱) حروف اضافه همراه با: «Dativ»
۱۱۲		۱۰-۴-۲) حروف اضافه همراه با: «Akkusativ»
۱۱۵		بخش ۱۱: فعل و ظرفیت آن (ادامه)
۱۱۶		۱۱-۱) وابسته مفعولی غیرمستقیم: (Dativergänzung)
۱۱۷		۱۱-۲) ضمائر شخصی در حالت های مختلف دستوری
۱۲۱		۱۱-۳) جایگاه هریک از وابسته ها در جمله:
۱۲۲		۱۱-۴) صفت ملکی:
۱۲۷		بخش ۱۲: جمله فرعی

۱۲۷		پیوند با جمله خبری (۱۲-۱)
۱۲۹		پیوند با جمله پرسشی دارای ضمیر پرسشی (W-Frage) (۱۲-۲)
۱۳۰		پیوند با جمله پرسشی بدون ضمیر پرسشی (Ja-Nein-Frage) (۱۲-۳)
۱۳۵		بخش ۱۳: بیان زمان گذشته (ادامه)
۱۳۵		(۱۳-۱) گذشته ساده: (Präteritum)
۱۳۶		(۱۳-۱-۱) گذشته فعل های باقاعده
۱۳۷		(۱۳-۱-۲) گذشته افعال بی قاعده
۱۳۸		(۱۳-۱-۳) شکل گذشته ساده برای افعال وجهی
۱۳۸		(۱۳-۱-۴) ساختار جمله در زمان گذشته ساده
۱۳۹		(۱۳-۱-۵) کاربرد گذشته ساده افعال
۱۳۹		(۱۳-۲) گذشته دور: (Plusquamperfekt)
۱۴۱		بخش ۱۴: روابط زمانی بین جمله ها
۱۴۱		(۱۴-۱) همزمانی
۱۴۳		(۱۴-۲) پیش زمانی
۱۴۵		(۱۴-۳) پس زمانی
۱۴۹		بخش ۱۵: جمله های پیچیده
۱۵۱		(۱۵-۱) جمله های بیان علت
۱۵۲		(۱۵-۲) جمله های بیان پی آمد
۱۵۲		(۱۵-۳) جمله های بیان پی آمد نامنتظر
۱۵۳		(۱۵-۴) جمله های توصیفی
۱۵۳		(۱۵-۴-۱) ساختار جمله توصیفی
۱۵۴		(۱۵-۴-۲) ضمایر موصولی

..... ۱۵۵ (۱۵-۵) جمله‌های بیان قصد و هدف

..... ۱۵۶ (۱۵-۶) جمله‌های شرطی

..... ۱۵۷ (۱۵-۷) ساختارهای مصدردار

..... ۱۶۳ بخش ۱۶: صفت

..... ۱۶۴ (۱۶-۱) کاربرد توصیفی صفت

..... ۱۶۵ (۱۶-۲) صرف ضمیر پرسشی + اسم:

..... ۱۶۷ ۱۶-۱. صفت‌های اشاره

..... ۱۶۹ بخش ۱۷: صرف صفت

..... ۱۶۹ (۱۷-۱) جدول فعل مربوط به صرف صفت

..... ۱۷۰ (۱۷-۱-۱) صرف صفت همراه با نشانه‌های معرفه

..... ۱۷۱ (۱۷-۱-۲) صرف صفت همراه با نشانه‌های نکره

..... ۱۷۲ (۱۷-۱-۳) صرف صفت همراه با ضمایر ملکی

..... ۱۷۳ (۱۷-۱-۴) صرف صفت بدون حرف تعریف

..... ۱۷۴ (۱۷-۲) صرف صفت، راهی متفاوت

..... ۱۸۳ بخش ۱۸: انواع جمله (ادامه)

..... ۱۸۳ (۱۸-۱) صرف فعل امر

..... ۱۸۵ (۱۸-۲) جایگزین جمله‌های امری

..... ۱۸۹ بخش ۱۹: مجهول

..... ۱۸۹ (۱۹-۱) ساختار مجهول

..... ۱۹۱ (۱۹-۲) ساختار مجهول همراه با افعال وجهی

..... ۱۹۶ (۱۹-۳) مجهول بیان روند و بیان وضعیت

۱۹۹		بخش ۲۰: ضمیر
۱۹۹		۲۰-۱) انواع ضمیر
۱۹۹		۲۰-۱-۱) ضمائر شخصی
۱۹۹		۲۰-۱-۲) ضمائر پرسشی یا کلمات پرسش
۲۰۰		۲۰-۱-۳) صفت‌های اشاره در کاربرد ضمیری
۲۰۰		۲۰-۱-۴) ضمائر مبهم
۲۰۲		۲۰-۱-۵) ضمائر ملکی
۲۰۳		۲۰-۱-۶) ضمائر وصفی
۲۰۳		۲۰-۱-۷) ضمائر تکیه یا تأکید
۲۰۳		۲۰-۲) کاربرد صفت به جای اسم
۲۰۵		بخش ۲۱: صفت (ادامه)
۲۰۵		۲۱-۱) مقایسه صفات
۲۰۵		۲۱-۱-۱) برابری
۲۰۵		۲۱-۱-۲) برتری
۲۰۷		۲۱-۱-۳) صفت برترین
۲۰۸		۲۱-۲) موارد خاص
۲۱۳		بخش ۲۲: فعل‌های انعکاسی
۲۱۷		بخش ۲۳: ظرفیت افعال (ادامه)
۲۱۷		۲۳-۱) وابسته دارای حرف اضافه
۲۱۹		۲۳-۲) وابسته مصدری
۲۲۱		۲۳-۳) وابسته مفعولی در حالت اضافی

بخش ۲۴ Konjunktiv یا التزامی (۴) ۲۲۵

Konjunktiv II (۲۴-۱) ۲۲۷

شکل «Konjunktiv II» برای افعال وجهی ۲۳۰

کاربرد: «Konjunktiv II» (۲۴-۱)-۲ ۲۳۰

Konjunktiv I (۲۴-۲) ۲۳۳

بخش ۲۵: آینده ۲۳۹

آینده (Futur I) ۲۳۹

آینده گذشته و گذشته در آینده (Futur II) ۲۴۰

بخش ۲۶: صفت فاعلی و صفت مفعولی ۲۴۵

صفت فاعلی (۲۶-۱) ۲۴۵

صفت مفعولی (۲۶-۲) ۲۴۶

بخش ۲۷: فعل های مرکب و عبارت های فعلی ۲۵۱

پیوست ۲۶۷

(۱) چگونه از لغتنامه ها استفاده کنیم؟ ۲۶۹

(۲) فهرست الفبایی فعل های بی قاعده ۲۷۳

کلید تمرین ها ۲۸۱

کتاب شناسی ۳۰۳

به نام خداوند جان آفرین
حکیم سخن در زبان آفرین

پیش گفتار

زبان را می‌توان ابزار برقراری ارتباط کلامی دانست، هرچند که این کلیشه چندان دور از واقع نیست و اصل ترین و اصیل ترین کاربرد زبان همانا برقراری ارتباط است، اما تنها کاربرد زبان برقراری ارتباط خلاصه نمی‌شود. با کمک زبان می‌توان اندیشه‌های خود را بازگفت، می‌توان زیبایی را توصیف کرد، می‌توان حدیث نفس کرد، می‌توان اندیشه‌ها را دگرگون ساخت. اما آنچه از نگاه زبان‌آموز و آموزگار زبان اهمیت می‌یابد، همان اصل ترین و اصیل ترین کاربرد این ابزار، یعنی برقراری ارتباط می‌باشد. یعنی ما زبان را برای ایجاد و حفظ ارتباط می‌خواهیم. بنابراین بدیهی است که روش آموزش و آموختن زبان باید از این هدف متاثر باشد.

اما دستور زبان یا به قول غربیان گرامر یا گراماتیک چیست؟ گراماتیک در اصل یک صفت است که جای موصوف را گرفته است. واژه یونانی «*γραμματική τέχνη*» به معنی فن نوشتار می‌باشد ولی امروزه منظور از دستور زبان نوشته‌ها و گفته‌هایی است که قواعد و قوانینی را توصیف و بیان می‌کند که نشان می‌دهد سوشوران یک زبان چگونه و طبق چه قواعدی از نشانه‌های زبانی استفاده می‌کنند. دستور زبان بر خلاف آنچه از نامش برمی‌آید نباید دستور بدهد بلکه باید توصیف کند. زبان نظامی از نشانه‌هاست و دستور زبان قواعد حاکم بر آن نظام نشانه‌ها و اسکلت این بنا به شمار می‌رود. بنابراین برای آموختن یک زبان گزیری از آموختن دستور آن زبان نیست. اما نکته اینجاست که آموختن دستور زبان هدف نیست و نباید باشد. دستور زبان باید

همچون روروئک کودکان عمل کند و پس از آموختن زبان به کلی به کناری رود، چنان که کودک پس از آن که «شیوه راه رفتن آموخت»، دیگر به سراغ روروئک خود نمی‌رود. البته روشن است که نگاه آموزگاران زبان باید به نوع دیگری باشد. زیرا تجربه ثابت کرده‌است که بسیاری زبان‌آموزان و آموزگاران زبان، دستور زبان را به جای زبان اشتباه می‌گیرند و در پایان چیزی جز چندین اصطلاح دستوری آن هم با ریشه لاتینی یا یونانی یاد نگرفته‌اند. نتیجه این که اگر از فراگیران بپرسند که آلمانی چگونه زبانی است، پاسخ از پیش تعیین شده است: «آلمانی بسیار دشوار است.» در حالی که آنچه ایشان از آن سخن می‌گویند دشواری آن را سرسختانه باور دارند، یک سلسله واژگان و اصطلاحات دستوری است و نه خرد زبان آلمانی. به عبارت ساده: زبان و دستور زبان دو پدیده جدا از هم هستند که فایده موضوع آنها مشترک است.

تاکنون کتابهای بسیاری در مورد دستور زبان آلمانی منتشر شده است و تلاش هرکدام از نویسندگان این آثار در جای خود شایسته تقدیر و ستایش است. تفاوت دستور زبان آلمانی پیش رو با کتابهای منتشر شده در این باب، در این است که نگارنده در این اثر به بعد آموزشی و به خطاهای رایج در راه یادگیری دستور زبان آلمانی توجه ویژه‌ای نشان داده است.

کتابهای دستور زبان آلمانی که تا کنون در ایران به چاپ رسیده‌اند، عموماً فهرستی از قواعد دستوری را ارائه می‌دهند، اما هیچ یک نگرش آموزشی به این نکته نداشته‌اند و راهکاری ارائه نمی‌دهند که خوانندگان این قواعد را چگونه یاد بگیرند. در واقع آموزش دستور زبان در این منابع نادیده گرفته شده است. کتابهای دستور زبان آلمانی که در ایران به چاپ می‌رسند یا چاپ شده‌اند عمدتاً کتابی به زبان آلمانی هستند که به همان صورت اصلی منتشر می‌شوند یا اگر ناشر به خود زحمت بدهد، همان اصطلاحات و گفته‌های آلمانی را به فارسی برمی‌گرداند و منتشر می‌کند. (نگاه کنید به کتابهای دستور شولتس - گریسباخ و دیگر مشابهان آن) گویی هرگز کسی به این اندیشه نرسیده که

می‌توان دستور زبان را به زبانی ساده‌تر بیان کرد، به زبانی که همگان آن را بفهمند و در آموختن زبان، آن را به‌کار گیرند.

کتاب «دستور آلمانی از نگاهی دیگر» از زاویه آموزشی به دستور زبان آلمانی می‌نگرد و به آن می‌پردازد. به عبارت دیگر از ویژگیهای اثر حاضر، علاوه بر توصیف دستوری، ارائه راهکارهایی برای فهم، به‌یادسپاری و به‌کارگیری مطالب دستوری است. وجود تمرین‌هایی در پایان هر فصل به خواننده این امکان را می‌دهد که خود را بیازماید و در سبک یادگیری خود را در کلید مربوط به آن، بسنجد. این خود یکی از مهمترین مولفه‌های دستور نویسی آموزشی است که ویژگی اصلی آن کاربردی بودن آن است.

دستور آموزشی چیست؟

در دستور آموزشی چه مدد داری به خودی خود در درجه نخست اهمیت نیستند، بلکه در ارتباط با اهداف آموزشی، اهمیت می‌یابند. هدف غایی «دستور آموزشی» آن است که، بشود بکلی از آن چشم پوشید. پس دستور زبان آموزشی در پی آن است که زبان‌آموز به درجه‌ای از مهارت‌های زبانی برسد که نیازی به این «رورونک» دستور زبان نداشته باشد. نکته جالب در این استعاره این است که «عاقلاً» کودکان نیازی به دستور زبان به عنوان رورونک ندارند، برعکس: بزرگسالان و - و البته - دستور زبان نیاز بیشتری حس می‌کنند. حال ممکن است بعضی دستور زبان را دست‌وپاگیر و بعضی حتی آن را به درد نخور و اضافی بدانند.

هرچه هست باید بدینیم که «دستور زبان» با «زبان» فرق دارد و نباید این دو را باهم اشتباه گرفت. دستور زبان تنها توصیف بخشی از تظاهرات زبان است و هرگز نمی‌تواند همه آنچه را زبان می‌توانیم، به‌طور کامل بازتاب دهد. این تفاوت و اختلاف را می‌توان به‌سادگی با مقایسه هر یک از موضوعات دستور زبان در کتاب‌های مختلف دریافت. بنابراین هرگز نمی‌توان آموختن قواعد یک زبان را با آموختن خود آن زبان یکی دانست پس به‌طور خلاصه باید گفت که آموختن و به‌یادسپردن قالب‌ها، ساختارها و کاربردهای زبان کمک می‌کند که این قواعد و قالب‌ها را بهتر درک کنیم و به شکل درست در متن‌های گفتاری و نوشتاری خود به‌کار ببریم. با عنایت به مطالب ذکرشده

«دستور زبان آموزشی» نوعی از بیان و توصیف پدیده‌ها، قواعد و قالب‌های زبان است به نحوی که بتوان با کمک آن زبان را بهتر و سریع‌تر یاد گرفت و به کار ببریم.

ویژگی دفتر حاضر در پیوند با دستور زبان در همین توجه ویژه به «آموزش زبان» است. مزیت این دیدگاه وقتی روشن‌تر می‌شود که آن را با نگاه دستور زبان سنتی یا به عبارتی نگاه زبان‌شناختی به دستور زبان مقایسه کنیم.

دستور زبان آموزشی	دستور زبان سنتی
نگاه‌گزینی با توجه به نیاز آموزشی	کوشش در بحال‌گرایی و بیان همه نکات و اشاره به همه و عیالها و استنها
شفافیت و روشنی با استفاده از تصویر و نمودار	نگاه انتزاعی (توصیف با استفاده از جملات و تعبیرهای انتزاعی)
تفصیل در بیان نکات مهم	ایجاز و خلاصه‌گویی در توصیف بیان
تاکید بر آسان‌سازی و آشناسازی آموزش زبان (قابل فهم باشد، یاد سپردن آن آسان باشد، قابل استفاده باشد)	عدم نگاه آموزشی

به عنوان نمونه، نگاه کنیم به بخشی از دستور پنج استاد (قریب و دیگران، ۱۳۶۲):

فعل مجهول آنست که بمفعول نسبت داده شود: سهراب کشته شد، کتاب نوشته شد، واز اینرو چنین فعلی را مجهول گویند که فاعل او نامعلوم است. فعل مجهول بیشتر باستعانت فعل (شدن) صرف میشود باینطریق که اسم مفعول را از هر فعل که مقصود است بضمیمه یکی از صیغه‌های فعل (شدن) صرف کنند.

تبصره- فعل مجهول باستعانت فعلهای آمدن و گشتن و گردیدن و افتادن نیز صرف میشود و در قدیم بیشتر با شدن و آمدن صرف میشده است:

خوشتن آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

فایده: فعل لازم بصیغه مجهول صرف نمیشود زیرا فعل لازم را مفعول نیست چنانکه نمی‌توان گفت: رفته شد، مرده شد، افتاده گردید، و باید گفته شود: رفت، مرد، افتاد.

می‌بینیم که ظاهراً برای نویسندگان محترم این اثر استثنای از قاعده مهمتر بوده‌اند. از سوی دیگر توصیف‌هایی که از قواعد می‌شود، چندان قابل فهم نیستند، بویژه که فقط یک مثال و آن هم از یک مورد استثنا و از متون ادبی متقدم آورده شده است.

در کتاب‌های دستور زبان آلمانی نیز به همین شیوه عمل شده است. در کتاب دستور زبان «دودن» (Der Duden; Bd. 4) در موضوع مربوط به شکل‌های مختلف جمع اسم، بیش از ۱۰ صفحه به شکل‌های مختلف اسم در حالت جمع اختصاص یافته است. و همچون نمونه ایرانیان، هر یک غم نویسندگان نشان دادن همه استثنایا بوده است. نکته این‌جاست که این همه استثنای در کاربرد روزمره زبان اولاً کم اهمیت‌اند ثانیاً به دلیل بسیاری مطالب استثنایی و نیز استثنای نام، قاعده‌ای خاص، یادگیری‌شان دشوار است.

حال با عنایت به سه رکن اصلی آموزش زبان خارجی (فهم، به‌یادسپاری و استفاده) می‌بینیم که چنین دیدگاهی تا چه حد ممکن است در به آموختن زبان خارجی مشکل‌آفرین باشد. در همان گام نخست، فهم متن دشوار است زیرا متن بسیار انتزاعی، موجز و توصیفی است. فهم که پیش‌شرط دو رکن دیگر (به‌یادسپاری و استفاده) است با مانع مواجه می‌شود. از سوی دیگر پرداختن به همه موارد ممکن (و نه تنها قواعد گرامری، به‌یادسپردن قواعد را مشکل می‌کند و به‌این ترتیب اصلاً نوبت به «استفاده» نمی‌رسد. تازه از این نکته صرف نظر می‌کنیم که فهم و به‌یادسپاری به‌خودی خود منتج به استفاده درست نمی‌شود، بلکه تمرین کلید اصلی کار است.